

حکیم
مواہم
اللهم صل علی محمد
وآل محمد
صلواتک
مبارکة
وعلی
السنن
الجمیع

بنوالباق

تهیه: ابراهیم حیدری

استان خراسان رضوی

مشهد مقدس

سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹

معرفت و شناخت



اندیشیدن دربارهٔ «اندیشیدن» یکی از مهم‌ترین بخش‌های فلسفه است.

هدف کلی :
توانایی تبیین امکان معرفت در انسان

امکان شناخت

۶

متما این بمله را در مبادرات و گفتگو های روزانه شنیده اید:

چرا مسئله به این روشنی را
پیچیده اش می کنی؟

یکی از آن جاها این
درس است

چرا مسئله به این روشنی را
پیچیده اش می کنید؟

مسئله
شناخت

کدام مسئله؟

به این چند گزاره خوب دقت کنید

انسان میتواند اشیا را بشناسد.

انسان میتواند اشیا را همانگونه که هستند بشناسد.

انسان نمیتواند اشیا را همانگونه که هستند بشناسد.

شناخت انسان میتواند غلط و اشتباه باشد.

شناخت انسان همواره غلط و اشتباه است.

انسان فقط میتواند همین امور محسوس او قابل تجربه حسی را بشناسد.

انسان در شناخت امور محسوس هم همواره غلط میکند.

انسان علاوه بر امور محسوس، امور نامحسوس را هم میتواند بشناسد

به نظر شما کدام یک از این گزاره ها درست است؟

انسان میتواند اشیا را بشناسد.

انسان میتواند اشیا را همانگونه که هستند بشناسد.

انسان نمیتواند اشیا را همانگونه که هستند بشناسد.

شناخت انسان میتواند غلط و اشتباه باشد.

شناخت انسان همواره غلط و اشتباه است.

انسان فقط میتواند همین امور محسوس او قابل تجربه حسی را بشناسد.

انسان در شناخت امور محسوس هم همواره غلط میکند.

انسان علاوه بر امور محسوس، امور نامحسوس را هم میتواند بشناسد.

یکی از ویژگیهای انسان، شناختن است. ماشیا و پدیدههای پیرامون خود

راشناسایی میکنیم و از طریق این شناخت با آنها ارتباط برقرار کرده و از آنها استفاده می نمایم.

با حواسمان بسیاری
از ویژگی های
اشیا را حس می کنیم

به سمت
چیزی
می رویم

اشیا را
می بینیم



صدای افراد
را
می شنویم



با دیگری
سخن
می گویم



همه اینها ناشی از دانستن و شناختن است

آیا تمام شناخت و دانستن ما محدود به همین موارد است؟

چه مواردی؟

خدا

روح - فرشتگان

موجودات نامحسوس و جهانی
غیر از جهان مادی

اموری برتر
از حواسمان

درباره
گذشته و
آینده،



آیا شناخت و دانستن ما به یک باره و یک جا رخ می دهد؟

چگونه است؟



گام به گام و
تدریجی

پیش می رویم

در مسیر شناخت

با عمل آموختن و یادگیری،

آیا شناخت و دانستن مشمول همه چیز می شود؟ یا محدود است؟

یعنی ما آگاه هستیم و می دانیم که موارد فراوانی هست که ما اطلاعات و آگاهی در باره آنها نداریم.



یا پس از قیامت جهان دیگری
مثل این جهان خواهد بود؟

یا اینکه جن ها دقیق چگونه
زندگی می کنند؟

یا مکانیسم خواب دیدن دقیقا
چگونه است؟

اینکه در کهکشان های دیگر
چه خبر است؟



آیا تمام شناخت ها و دانستن های ما صحیح است؟

بعضی از چیزهایی که فکر می کردیم آنها را می دانیم، درست نبوده و ما در موردشان دچار خطا شده ایم.



مثلاً: در باره علت بیماری های روحی و روانی را در گذشته

گمان می کردند طرف جنّی شده است یا ارواح خبیثه در

وجودش رخنه کرده است.

زلزله
خسوف و
کسوف

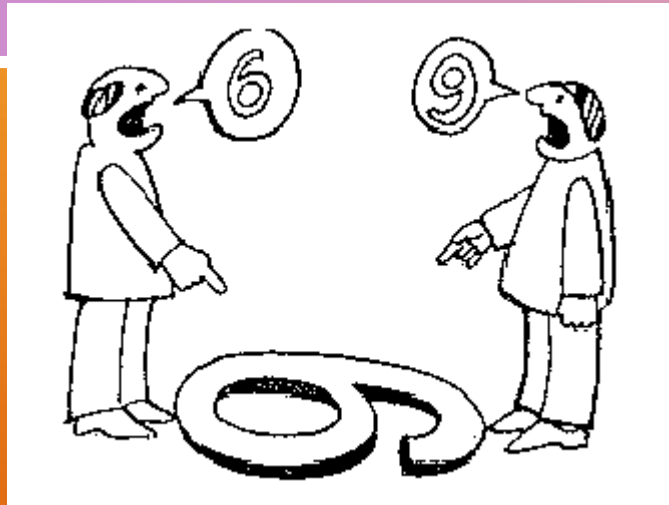
چرخش
زمین -
مسطح
بودن زمین

آیا تمام شناخت ها و دانستن های ما صحیح است؟

علت بیشتر جرّ و
بحث ها، نزاع ها
و جنگ ها و...



گاهی متوجه می شویم که افراد مختلف درباره موضوع
واحد نظرها و باورهای متفاوت دارند.



کافی است شما در
خیابان یک تصادف
کنید افراد همه
کارشناس می شوند
و هر کدام نظر
خاصی دارند.

در یک مجلس اظهار
بیماری کنید همه
برای شما نسخه تجویز
می کنند هر کدام هم
نظرشان متفاوت از
دیگری است

مثلا: در باره علت مشکلات اقتصادی حال حاضر کشور
نظرات بسیار متفاوت است

ویژگی های شناخت

در معرض
خطا و
اشتباه

محدود

تدریجی

۱- بسیار پیش آمده که ما یک مسئله ریاضی را حل کرده ایم، اما بعد متوجه شده ایم که در حل آن مسئله راه را اشتباه رفته ایم. سپس راه دیگری را انتخاب کرده و به پاسخ صحیح رسیده ایم. اینکه انسان می تواند به خطای خود پی

ببرد نشانه چیست؟

۱- توانایی بر شناخت و توانایی تصحیح خطای خود

۲- تدریجی بودن شناخت

۲- بسیار پیش آمده که ما در موضوعی با فردی دیگر اختلاف نظر داشته باشیم و هر دو تلاش کنیم به کمک استدلال و توضیح، طرف مقابل را به دیدگاه خود نزدیک کنیم. این تلاش نشانه پذیرش چه حقیقتی است؟

۱- هر دو نفر قبول دارند که یکی از دو نظر صحیح است یا ممکن است هر دو غلط باشد

۲- هر دو نفر قبول دارند که راهی برای تشخیص درست از نادرست وجود دارد.

۳- هر دو نفر قبول دارند که می توانند نظر دست خود را به دیگران منتقل کنند. و اثبات کنند که نظر طرف دیگر اشتباه است.

۴ هر دو نفر قبول دارند که امکان شناخت هست.

تامل و تفکر در باره شناخت و ابعاد آن چه پرسش های دیگری را ممکن است ایجاد کند؟

آیا شناخت اساساً ممکن است؟

شناخت چیست؟

قلمرو شناخت چیست؟



شناختهای ما تا چه اندازه ارزش دارند؟

راههای شناخت کدام اند؟

معرفت شناسی در کدام علم بررسی می شود؟

معرفت شناسی» بخشی از فلسفه است که به خود پدیده شناخت می پردازد

شناخت چیست؟

آیا شناخت اساساً ممکن است؟

شناخت‌های ما تا چه اندازه ارزش دارند؟

راه‌های شناخت کدام‌اند؟

قلمرو شناخت چیست؟

فیلسوفی که دربارهٔ موضوعاتی مانند هستی، جهان و انسان می اندیشد، ناگزیر دربارهٔ خوداندیشیدن و شناخت نیز دیدگاهی دارد

این سوالات در چه علمی بررسی می شوند؟

کدام فیلسوفان درباره معرفت و شناخت بشر نظر داده اند



سوال: توجه ویژه کدامیک از فیلسوفان، به شناخت سبب شد که شاخه «معرفت شناسی» فلسفه رشد بیشتری کند؟

در گذشته برخی از مباحث معرفت شناسی در ضمن مباحث فلسفی طرح می شد

خیر - چرا؟

آیا اکنون نیز در ضمن مباحث فلسفی بحث می شود؟ یا به صورت مستقل بررسی می شود؟

۱- طرح پرسش های جدی و جدید درباره معرفت

به دو دلیل

۲- ظهور دیدگاه های گوناگون،

این بخش از فلسفه به صورت شاخه مستقلی در آمده که به آن «**معرفت شناسی**» یا «**نظریه معرفت**» می گویند

وقتی که

از کودکی می پرسیم «میدانی توپت کجاست؟» و او میگوید «آری، میدانم،» نسبت به معنای «میدانم» آگاه است. اگر ابهامی هم از جهت کلمه و لغت باشد، حداکثر با بیان معادلی ابهام رفع میشو د؛ مثلاً میگوییم معرفت، همان دانستن و آگاهی نسبت به چیزی است. به عبارت دیگر، وقتی کسی میگوید «توپ آنجاست» بدین معناست که او به وجود توپ در آنجا آگاه و عالم است و ما به ازای آگاهی او، یک توپ است که در آنجاست



تا نداند آب
قابل
خوردن
است؟

آیا برای خوردن آب اقدام می کند؟

تا نداند
خودش
وجود دارد؟

تا نداند
شخصی در
اطرافش
وجود دارد؟

تا نداند
تشنگی
چیست؟

تا نداند
لیوانی
وجود دارد؟

تا نداند تشنه
است؟

تا نداند آب
وجود دارد؟

تا نداند آب
برای رفع
تشنگی
است؟



پس شناخت یک امر بدیهی و روشن است و نیازی به تحقیق و پیدا کردن دلیل دارد.

اما جالب است بدانیم گاهی همین امر بدیهی چه در گذشته و چه در زمان حاضر انکار شده است.

شما می توانید بفرمایید چه کسانی اصل شناخت را انکار می کنند؟

گرگیاس، یکی از سوفسطائیان و دانشمندان عصر سقراط بود که در سیسیل ایتالیا به دنیا آمد و بعدها به عنوان سفیر به آتن رفت. او در آتن با آموختن فن بلاغت، به سخنوری توانا بدل شد و مهارتی تمام در استفاده از مغالطه ها به دست آورد. گرگیاس در نوشته ای با عنوان «درباره طبیعت» میگوید:

اولاً چیزی وجود ندارد؛

ثانیاً اگر چیزی هم وجود داشته باشد برای انسان قابل شناخت نیست

ثالثاً اگر برای انسان قابل شناخت باشد، نمی توان آن را به دیگری آموخت و منتقل کرد.»

پس هم معنای معرفت و هم امکان رسیدن به شناخت و معرفت برای هر

انسانی روشن است. بنابراین شکاکیت مطلق، یعنی شک در اصل دانستن و همه

دانسته ها، امکان پذیر نیست و اگر کسی چنین نظری بدهد، گرفتار یک تناقض شده

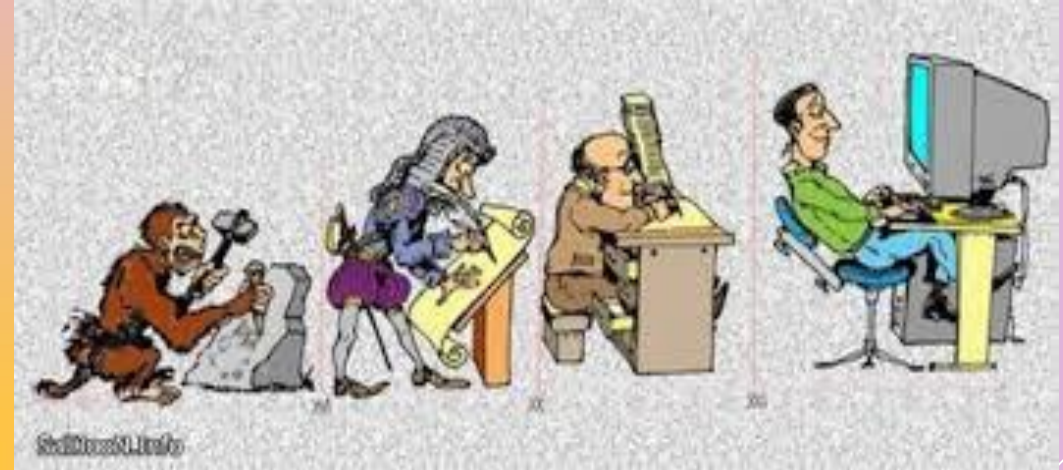
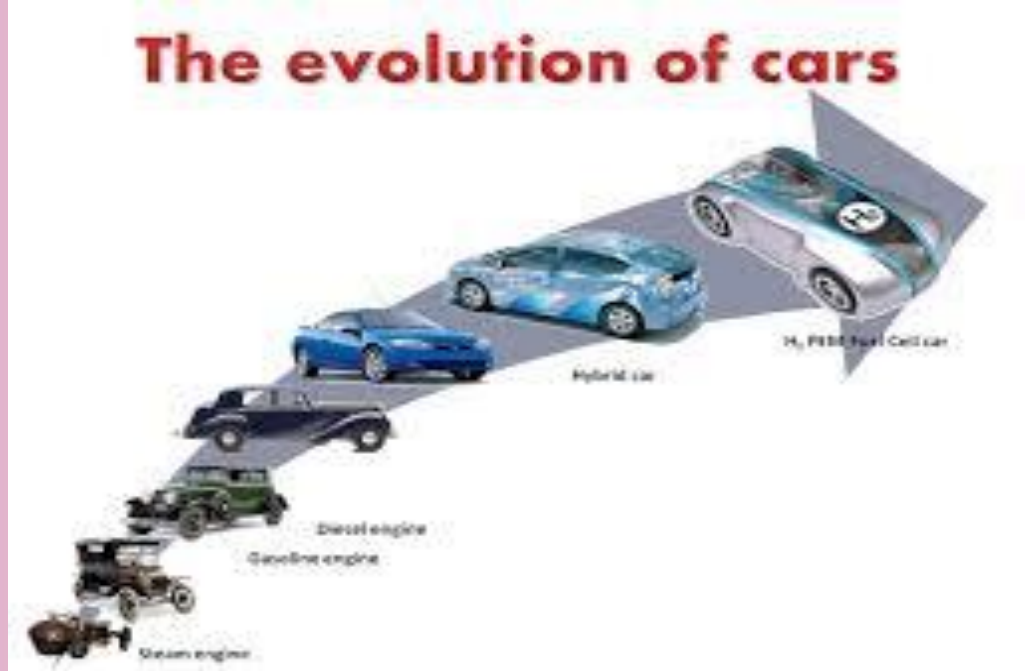
و همین نظر او با شک مطلق ناسازگار است

چرا فرد شکاک دچار تناقض شده است؟

منظور از شکاکیت مطلق چیست؟

به این دو تصویر خوب نگاه کنید.

برداشت خود را از این دو تصویر بفرمایید.



چون

بشر به امکان شناخت باور دارد.

و اشتباه را به معنای ناتوانی در کسب معرفت تلقی نمی کند.

از ابتدای زندگی خود روی زمین، برای درک جهان تلاش کرده و معرفت و شناخت خود را افزایش داده است

بخشی از پیشرفت های آینده:



برای بیش از ۳۵ سال، باهوش ترین پزشکان و محققان حوزه پزشکی روی کره زمین سعی کرده اند فلج نخاعی را درمان کرده و عملکرد نخاع انسان را در جهت مثبت تغییر دهند. اگر آن ها موفق شده بودند اکنون می توانستند پیوند سر انجام دهند اما هنوز موفق به این کار نشده اند. دکتر سر جیو کاناورو، رییس گروه نوروماژولیشن پیشرفته دانشگاه تورین، خود را برای انجام اولین پیوند سر در انسان آماده می کند. در واقع او قصد دارد که نخاع را قطع کرده، آن را ترمیم نموده و سپس از تحریک مغناطیسی استفاده نماید.

او و تیم همکارانش برای این کار از اجساد انسانی استفاده خواهند کرد. هزینه چنین جراحی ۱۶ میلیون دلار برآورد شده است. با این وجود دکتر کاناورو مدت زمان زیادی است با بیمارانی از چین و روسیه در تعامل بوده و قصد دارد اولین جراحی های خود را بر روی بیماران چینی انجام دهد زیرا امید به سرمایه گذاری چینی ها در این حوزه بسیار بیشتر است

آسانسور فضایی



این کمپانی قصد دارد تا از لوله های کربن نانو که ۲۰ برابر محکم تر از فولاد هستند، برای ساخت کابل مورد نیاز این آسانسور بهره ببرد. قرار است در ساخت این دستگاه از کابلهایی به طول کلی ۹۶،۰۰۰ کیلومتر برای بالا و پایین بردن اتاقک آسانسور استفاده شود. بدین ترتیب طول کابل مصرفی چیزی در حدود یک چهارم فاصله زمین تا ماه خواهد بود.

از این گذشته اتاقک این آسانسور ظرفیت ۳۰ نفر را خواهد داشت و با سرعتی در حدود ۲۰۰ کیلومتر در ساعت مسافت ۳۶،۰۰۰ کیلومتری بین مبدا و مقصد را طی خواهد کرد

دانش بشر به دو صورت پیشرفت می کند:

اوّل) با دستیابی به دانش های جدید درباره اشیا

دوم) از طریق پی بردن به اشتباهات گذشتگان و تصحیح معلومات آنها



دل گرچه درین بادیه بسیار شتافت

یک موی ندانست و بسی موی شکافت

گرچه ز دلم هزار خورشید یافت

آخربه کمال ذره‌ای راه نیافت

(ابوسعید ابوالخیر یا ابن سینا)

